

زن سارق بیماران را بی هوش می کرد

زن جوان که با شگردی خاص از بیماران و همراهان آنها در بیمارستان سرقت می‌کرد هنگام بریدن النگوهای طلای دو خواهر به دام افتاد.

به گزارش سایت خبری پرسون، اوایل امسال زن جوانی در تماس با پلیس از سرقت طلاهایش خبر داد و گفت: خواهرم در بیمارستانی در شمال تهران بستری بود و من همراهش بودم.

داخل حیاط بیمارستان نشسته بودم که زن جوانی که خودش را محبوبه معرفی کرد کنارم نشست و شروع به درد دل کرد. می‌گفت از شهرستان آمده‌اند و مادرش بیمار است و اوضاع خوبی ندارد.

گرم صحبت بودیم که او آبمیوه‌ای به من تعارف کرد اما بعد از خوردن آبمیوه بی‌هوش شدم. به هوش که آمدم، متوجه شدم طلاهایم به سرقت رفته و از زن جوان هم خبری نبود.

با این شکایت تحقیقات برای دستگیری محبوبه آغاز شد و در ادامه بررسی‌ها کارآگاهان با شکایت‌های مشابه مواجه شدند. زن جوانی در بیمارستان‌های شمال و غرب تهران خود را همراه بیمار معرفی کرده و با خوراندن آبمیوه مسموم به بیماران و همراهانشان اقدام به سرقت طلاهای آنها می‌کرد.

سرقت با لباس پرستاران

در حالی که تحقیقات ادامه داشت، کارآگاهان این بار با شکایت‌های متفاوتی مواجه شدند. زن جوانی با پوشیدن لباس پرستاران که در رختکن بیمارستان آویزان کرده بودند به سراغ بیماران رفته و با آبمیوه مسموم آنها را بی‌هوش می‌کرد.

شگرد سرقت‌ها و چهره‌نگاری‌های صورت گرفته از سوی مالباختگان حکایت از آن داشت که هر دو شیوه توسط یک نفر صورت گرفته است. آبمیوه‌های مسمومی که باعث شده بود یک بیمار و دو همراه بیمار به کما بروند و چند روزی با مرگ دست و پنجه نرم کنند.

دستگیری هنگام سرقت

چند روز قبل صدای فریاد و کمک خواهی‌های زن میانسانی در حیاط بیمارستان، توجه مأموران حراست و افرادی که در بیمارستان بودند را به خود جلب کرد. او دست زنی را در دست گرفته بود و اجازه فرار به او نمی‌داد.

وقتی زن سارق دستگیر و به پلیس تحویل شد در بازرسی از کیف او سیم چین و مقداری طلای بریده شده کشف شد. با این احتمال که زن جوان، همان محبوبه متهم فراری است، تصویر چهره‌نگاری سارق با زن جوان تطبیق داده و مشخص شد که وی همان سارق اموال بیماران و همراهانشان است. پس از اعتراف متهم وی به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای ویژه سرقت، در اختیار کارآگاهان پلیس قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

گفت‌وگو با متهم

چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟
چند سال قبل شوهرم فوت کرد و من با دو بچه تنها ماندم. برای کار خیلی جاها رفتم اما یا حقوقش خیلی کم بود یا توقعات دیگری از من داشتند. به‌خاطر نیاز شدید مالی تصمیم به سرقت گرفتم.
این شگرد چطور به ذهنت رسید؟
یک روز که برای کار درمانی به بیمارستان رفته بودم خودم شاهد چنین سرقتی بودم.

زن جوانی به همراه یک بیمار آبمیوه مسموم داد و بعد از ۱۰ دقیقه برگشت و زمانی که زن جوان بی‌هوش شده بود، طلاهای او را سرقت کرد.

با دیدن این صحنه شروع به داد و فریاد کردم اما سارق فرار کرد. بعد خودم تصمیم گرفتم با این شیوه سرقت کنم.
فکر نکردی اگر آنها با این داروی بی‌هوشی بمیرند قاتل می‌شوی؟

چرا فکر آن را هم کرده بودم دارو را اول روی خودم امتحان کردم. میزان داروی مصرفی، ساعت بی‌هوش شدن و به هوش آمدن را یادداشت می‌کردم تا اینکه فهمیدم چقدر دارو باید داخل آبمیوه بریزم که خطرناک نباشد. چطور بازداشت شدی؟
دو خواهر روی صندلی بیمارستان نشسته بودند، من به سمت آنها رفتم و مثل همیشه سر صحبت را باز کردم و به آنها آبمیوه مسموم دادم.

اما انگار یکی از خواهرها آبمیوه را کمتر خورده بود چون خیلی زود به هوش آمد.

یعنی وقتی که داشتم النگوهای دستش را با سیم‌چین می‌بریدم مچم را گرفت و شروع به داد و فریاد کرد و توسط حراست بیمارستان بازداشت شدم.

منبع: ایران